

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نام کتاب: ت مثل تنهایی

نام نویسنده: میم، الف

آدرس سایت: romanik.ir

آدرس انجمن: romanik.ir/forums



طراح: NAYEREH.T

کیبست: S O-O M

ویراستار: S O-O M

دلنوشته ت مثل تنهایی صرفا در انجمن رمانیک قابل پخش می باشد و هرگونه کپی
بررداری پیگرد قانونی دارد.

مقدمه :

تنها بودن بعضی وقتها هم بد نیست! خوبه؛ حداقل برای من که خوبه!

تنهایی یعنی،

بین آدمهایی باشی که میگن دوستت داریم؛

ولی موقع بی‌قراری‌ها تنهات نیستن!

آره،

ت مثل تنهایی!

تنهایی

جهنمی نامتعارف است؛

جهنمی با آتش سرد،

میان شعله‌ها از سرما یخ می‌زنی!

آره،

ت مثل تنهایی!

تنهایی

تلخ است.

تلخ مثل نگاه نوازنده‌ای که،

با دست‌های بریده به پیانو می‌نگرد!

آره،

ت مثل تنهایی!

تنهایی پیچیده نیست؛ چای خوردن است!

خندیدن است و گریستن است!

آره،

ت مثل تنهایی!

تنهایی همیشه بی‌کسی نیست!

تنهایی یعنی کلی آدم دور و برت باشه؛ اما تو باز تنها باشی!

آره،

ت مثل تنهایی!

تنهایی یعنی

بغض کنی، بشکنی، داغون بشی؛ اما کسی نفهمه.

آره،

ت مثل تنهایی!

تنهایی یعنی،

منتظر پیام یک نفر باشی؛ اما

بخت پیام نده!

آره،

ت مثل تنهایی!

تنهایی یعنی

متاسفم دلم؛ هیچکس نگران نیست!

آره،

ت مثل تنهایی!

تنهایی یعنی

باران ببارد و تو قدر دو نفر،

تنها قدم بزنی!

آره،

ت مثل تنهایی!

تنهایی یعنی

من همین هنگام دلم گرفته است؛

اما کسی پیشم نیست!

آره،

ت مثل تنهایی!

تنهایی یعنی

وقتهایی هست،

می بینی خودتی و خودت؛

رفیق داری؛ همدرد نداری!

خانواده داری؛ حمایت نداری!

عشق داری؛ تکیه گاه نداری!

یکی رو دوست داری؛

حضورش رو نداری!

مثل همیشه،

همه چی داری و

هیچی نداری!

آره،

ت مثل تنهایی!

تنهایی یعنی

وقتی دلت گرفت،

بغض کردی،

اشک ریختی،

خودت، خودت رو بغل کنی!

خودت، خودت رو دلداری بدی

و اشک‌ها رو پاک کنی! خودت!

آره،

ت مثل تنهایی!

تنهایی یعنی،

هر وقت نیازت دارند هستی؛

ولی هر وقت نیازشان داری، نیستند!

آره،

ت مثل تنهایی!

تنهایی یعنی،

یک آهنگ اهدایی و کلی خاطره.

یعنی،

کلی حرف توی چهار دقیقه آهنگ!

آره،

ت مثل تنهایی!

تنهایی یعنی،

خیلی تنهایی!

نه اینکه نمی‌تونی با کسی باشی. نه!

یعنی نمی‌خوای با هر کسی باشی!

آره،

ت مثل تنهایی!

تنهایی یعنی؛

تنها که هستی، در بند کسی نیستی. دلت نمی‌لرزد که اگر اخم کند، هفت طبقه‌ی آسمان روی سرت خراب می‌شود!

تنها که هستی، گم‌هایت را روی زمین استوارتر بر می‌داری.

احساس قدرت می‌کنی؛ از این که کسی نمی‌تواند دلت را به بازی بگیرد.

گاهی از حس رهایی، به رقص می‌آیی.

آره،

ت مثل تنهایی!

تنهایی یعنی

شبهایی که از ترس کابوس، چشم‌هات روی هم نرفته باشه.

شبهایی که تا خود صبح، سرت روی بالش‌ت بوده و بالش‌ت خیس از اشک.

یعنی شبهایی که می‌خواستی صدای رو بشنوی تا آرومت کنه؛ اما اون به همون اندازه که تو می‌خواستی، نمی‌خواست!

آره،

ت مثل تنهایی!

تنها بودن سخت است؛

تنهایی یعنی کلی حرف نگفته در سینه داشته باشی اما،
به هیچکس اعتماد نداشته باشی.

می ترسی بگویی؛

از ترس هایت،

از دلهره هایت،

از بی‌قراری هایت.

می ترسی بگویی!

هعی.

آری،

ت مثل تنهایی!

تنهایی

همیشه به معنای تنها بودن نیست!

گاهی تو بی‌هیچ دلیلی احساس تنهایی می‌کنی؛

اینکه دیگر کسی نیست؛

هست! ولی تو احساس می‌کنی آن فرد تمام فکر و ذهنش پی تو نیست.

تو گاهی کودک می‌شوی؛

به دنبال کسی می‌گردی که مانند کودکی‌ات وقتی زمین خوردی بلندت کند و بگوید:

نگران نباش؛ من هستم!

آری،

ت مثل تنهایی!!

دیگر دلم هوای نوشتن ندارد؛

آخرین دلی نوشت از تنهایی‌های من است.

تنها بودم؛ آمد، مرحم شد؛

از تنهایی بیرون آمدم. احساس می‌کردم همیشه هست؛

اما، رفت. سرد شد، لرز شد، باز تنهایی شد.

آری،

ت مثل تنهایی!

«با تشکر از نگاه زیبای شما، این اثر به پایان رسید.»

برای مطالعه دیگر آثار نویسندگان، از سایت رمانیک بازدید فرمایید.

برای ارسال اثر نوشته شده توسط شما و انتشار آن بر روی سایت رمانیک، به [این لینک](#) مراجعه کرده و یا به اعضای انجمن رمانیک پیوندید.

رمانیک در شبکه‌های اجتماعی:

 *Romanik_ir*

 *Romanik_ir*

 *Romaniki*